



## مبانی فقهی اجرای علنی مجازاتهای جرائم جنسی در حقوق ایران

ایوب زینلی

عضو هیئت علمی گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۴۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران

### چکیده

نحوه اجرای مجازات، به عنوان یکی از واکنش های اجتماعی در مقابل مجرم همواره و در طول تاریخ، ذهن اندیشمندان علوم اجتماعی را به خود مشغول داشته است. مکاتب مختلف فکری، اهداف و ویژگی های متعددی را برای مجازات بیان نموده اند. از تشفی خاطر مجنی علیه تا حمایت از بزه دیده، تا ترمیم عدالت مخدوش شده ناشی از بزه، اهدافی است که برای مجازات ذکر شده اند. اما این اهداف در ادیان و مکاتب الهی و مذهبی سویه دینی و نگاه اخروی نیز به خود گرفته اند. از جمله جرایمی که تقریباً در تمامی ادیان الهی با مجازات های سنگین مواجهند، جرایم جنسی است. جرایم جنسی از یک منظر و منطبق با اسلام، ممکن است با مجازات حدی پاسخ داده شود و یا در مواردی، واکنش اجتماعی به شکل تعزیر باشد. چگونگی اجرای این مجازات ها، دغدغه فکری و از موارد اختلافی بوده است. مقنن ایران در سال ۱۳۹۲، با تقنین ماده ۴۹۹ آیین دادرسی کیفری، اصل را بر علنی نبودن اجرای مجازات ها قرارداد، مع الوصف این موضوع، کاملاً حل اختلاف نموده است. در این مقاله بدو با تعریف جرائم منافی عفت و جرایم جنسی مشمول حد، با بررسی ادله فقهی، به چگونگی اجرای مجازات در این گونه جرائم خواهیم پرداخت.

**واژگان کلیدی:** اجرای مجازات، اجرای علنی، مبانی فقهی، جرائم منافی عفت جرائم جنسی



## مقدمه:

در خصوص جرائم منافی عفت در قانون تعریفی از «جرائم منافی عفت» ذکر نکرده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸) حتی ضابطه و معیار خاص قانونی نیز ارائه نداده است تا بر آن مبنا بتوان جرائم منافی عفت را شناخت. در نتیجه عناصر کلی تشکیل دهنده این نوع جرمها مشخص نیست. (کشاوری، ۱۳۷۵) قانونگذار به جای این که جرائم منافی عفت را تعریف نماید تا مصادیق آن معلوم شود، مصادیق را احصا کرده است تا تعریف آن مشخص گردد. این روش را تعریف به مصداق می نامند و آن غیر از تعریف کلی، جامع و مانع می باشد که مطلوب اهل علم بوده و کاربرد فراوان دارد. به علاوه احصا مقنن حصری نبوده و تمثیلی می باشد. (آخوندی، ۱۳۸۸) روش قانونگذار سبب شده است تا در قوانین موضوعه این نوع جرمها یک جا و تحت یک عنوان تدوین نگردد که با یک نگاه اجمالی بتوان آنها را تشخیص داد و کلیه مصادیق آن را شناخت. در نتیجه برای یافتن مصادیق جرائم منافی عفت، در هر مورد باید به قانون مراجعه نمود و حکم مسئله را آموخت. تعیین دقیق مصادیق جرائم منافی عفت با قاضی است. با توجه به مجازاتهای سنگینی که درباره بسیاری از جرائم منافی عفت مقرر می باشد و با عنایت به این که در جامعه کنونی برداشت های مختلف و متفاوتی از این نوع جرائم وجود دارد. بهتر بود که قانونگذار کلیه جرائم منافی عفت را با دقت تعیین و معرفی می کرد و آنها را حصری اعلام می نمود یا لااقل ضابطه ای ارائه می داد تا به کمک آن بتوان این نوع جرائم را شناخت. بدیهی است اتخاذ این روش می توانست بر بسیاری از ناهماهنگی های موجود در این رهگذر پاسخ دهد. لذا با عنایت به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها که مورد احترام جوامع بشری است و با فقدان نص خاص، جرم دانستن بعضی از اعمال منافی عفت محل تردید است. اعمالی مانند «صنم پرستی»، «مبدل پوشی»، «پوشیدن لباس جنس مخالف»، «حیوان دوستی»، «حیوانبازی»، «بچه بازی»، «عورت نمایی»، «نظر بازی جنسی» یا «چشم چرانی»، «خود آزاری جنسی»، «استمناء»، «پیردوستی» و ... از قلمرو کیفری خارج می باشند. (کی نیا، ۱۳۷۰) حتی اعمالی مانند «ازاله بکارت»، «روسپیگری»، «اعاشه از عواید فحشا زنان»، «واداشتن افراد و جوانان به شهوت رانی» و ... عنوان کیفری خاصی ندارد. مراجع قضایی این گونه اعمال را در بعضی موارد از مصادیق فعل حرام دانسته و بر آن مبنا برای مرتکبین مجازات تعیین می کنند. البته از نظر علمی و با توجه به لزوم تفسیر قوانین جزائی به طور مضیق، عملکرد محاکم قضایی روش مطلوبی به نظر نمی رسد. زیرا این روش با اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها و تفسیر قوانین جزائی به طور مضیق که مورد حمایت همه جانبه حقوق بشری و نیز مورد حمایت شرع است نادیده گرفته میشود. با این وجود روش قانونگذار از خیلی جهات مطلوب به نظر می رسد؛ زیرا جرائم منافی عفت برخاسته از سنت ها و عرف های اجتماعی است. کمتر جرمی را می توان یافت که تا این حد، معیارهای عرفی، سنتی و مذهبی در ظهور آن تأثیر داشته باشد. در هر جامعه با توجه به اندیشه های سنتی، عرفی، فرهنگ اجتماعی و تاریخ تحول آن جرائم منافی عفت به وجود می آید و با تغییر عرف و دگرگونی فرهنگ اجتماعی این اعمال نیز رنگ عوض می کند. شاید به همین مناسبت باشد که قانونگذار جرائم منافی عفت را تعریف نمی کند و به معرفی بعضی از مصادیق آن بسنده می کند تا مصادیق موردی آن در عمل عرف و قضایی تعیین گردد. باید توجه داشت که روش مذکور این خطر را دارد که قاضی را در تشخیص مصادیق جرائم منافی عفت و اعمال سلیقه و دیدگاه خاص خود آزاد میگذارد که این امر ممکن است اصل قانونی بودن جرائم و



مجازات ها را به مخاطره بیاندازد. (دادبان، ۱۳۸۷) و از جهت مصادیق «قیح عقاب بلا بیان» باشد. در جامعه اسلامی ایران با الهام از شریعت مقدس اسلام و سنت های دیرینه و عفت ذاتی ایرانیان، اعمال منافی عفت در طول تاریخ تحول یافته و مصادیق بیشتری پیدا کرده است که با دیدگاه های ملی، محلی، سنتی و مذهبی به خوبی می تواند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در قانون مجازات اسلامی پنج قسم مجازات ذکر شده است: (۱). حدود؛ (۲). قصاص؛ (۳). دیات؛ (۴). تعزیرات: مجازات های جرائم منافی عفت در مقررات مربوط به «حدود» و «تعزیرات» بیان شده است. در باب «قصاص» و «دیات» مجازات این نوع جرمها وجود ندارد. بنابراین جرائم منافی عفت را میتوان به دو نوع مهم تقسیم نمود:

(۱) جرائم منافی عفت مستلزم حد؛

(۲) جرائم منافی عفت مستلزم تعزیر و مجازات های بازدارنده. هر یک از انواع دو گانه جرائم مذکور مقررات ویژه خود را داشته و با روش های متفاوتی قابل اثبات می باشد.

### (۱) جرائم منافی عفت مستلزم حد

در قانون مجازات اسلامی، تحت عنوان حدود پنج نوع جرم منافی عفت ذکر شده است که عبارتند از: زنا، لواط، مساحقه، قوادی و قذف. هر یک از این جرائم جداگانه و به اختصار مورد بررسی و تحلیل قرار میگیرد.

#### (الف) زنا

زنا یکی از شایع ترین اعمال مجرمانه در حوزه جرائم جنسی است. نویسندگان قانون مجازات اسلامی با عنایت به فقه شیعه و توجه به سنت های مذهبی موجود فرضهای مختلف زنا را بیان کرده و شدیدترین مجازات ها را برای موارد آن داشته اند. زنا عبارت است از: «جماع مرد با زنی که بر او ذات حرام است اگر چه در دبر باشد». زنا در صورتی موجب حد می شود که زانی با زانیه بالغ، عاقل و مختار بوده و به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشد. مجازات زنا در موارد ذیل اعدام است و فرقی بین جوان، غیر جوان، محصن و غیر محصن نیست. - زنا با محارم نسبی؛ - زنا با زن پدر؛ - زنا با غیر مسلمان با زن مسلمان؛ - زنا به عنف و اکراه. حد زنا در موارد ذیل رجم است: - زنا با مرد محصن - زنا با زن محصنه با مرد بالغ. در بقیه موارد مجازات زنا ۱۰۰ ضربه شلاق می باشد.

#### (ب) لواط

از نظر فقه اسلامی، لواط شنیع ترین و زشت ترین عمل انسانی است. افکار عمومی جوامع اسلامی، مرتکبین این عمل را سزاوار مجازات می داند. در عمل تا قبل از تصویب ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، مجازات لواط فاعل و مفعول هر دو محکوم به حد می شوند. حد لواط در صورت دخول قتل و اجرای قتل به یکی از طرق انداختن از بلندی، زیر آوار گذاشتن، قتل با شمشیر و زنده در آتش سوزانیدن است و در صورت عدم دخول (تفخیزد) ۱۰۰ ضربه شلاق پیش بینی شده بود. مقرر در آخرین تقنین خود، در ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، با گذر از دیدگاه سابق، اعدام را صرفاً برای مفعول در نظر گرفته و مجازات سالب حیات، برای فاعل، در صورتی اعمال می شود که فاعل، مرتکب عنف و اکراه شده و یا دارای شرایط احصان باشد. در دیدگاه جدید، شیوه خشن سلب حیات یعنی از کوه پرت کردن، سوزاندن



در آتش، با شمشیر گردن زدن و خراب کردن دیوار بر روی مجرم، حذف شده است و سلب حیات از طریق اعدام صورت خواهد پذیرفت.

#### ج) مساحقه

مساحقه یعنی هم جنس بازی زنان. حد مساحقه برای هر یک از طرفین ۱۰۰ ضربه تازیانه میباشد و هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد، در مرتبه چهارم حد آن قتل است. (اسدی، ۱۳۸۲)

#### د) قوادی

قوادی عبارت است از «جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط».

#### ه) قذف

قذف نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگری است. هر یک از انواع پنجگانه جرائم مذکور راههای اثباتی ویژه ای دارند که در ادامه مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. ۲) جرائم مستلزم تعزیر و مجازات های بازدارنده کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان تعزیرات و مجازات های بازدارنده مقررات ویژه ای درباره جرائم منافی عفت انشا نموده است. فصل هیجدهم این بخش به جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی اختصاص یافته است. به موجب ماده ۶۳۷ ق.م.ا.: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع و یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می شود». و در ماده ۶۳۸ ق.م... آمده است: «هر کس علنا در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به فعل حرام نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن دارای کیفر نمی باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». در ارتباط با جرائم منافی عفت در فصل هیجدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی عناوین مجرمانه ذیل وجود دارد..

#### ۳- مفهوم حد

حد به معنای منع است. آهن را حدید می گویند؛ چون قابل نفوذ نیست؛ یعنی منع می کنند از اینکه چیزی در آن نفوذ کند و به دریان هم حداد می گویند؛ چون از ورود و نفوذ اغیار به داخل جلوگیری می کند و به تازیانه زدن، حد می گویند؛ چون موجب منع از ارتکاب مجدد میشود. نجفی، (جواهر الکلام ۱: ۲۵۴) به تصریح راغب اصفهانی، علت تسمیه حد زنا و حد خمر آن است که مرتکب را از ارتکاب جدید باز می دارد و دیگران را نیز از ارتکاب آن منع میکند و به چشم تیزبین هم حدید می گویند؛ چون از مخفی شدن چیزها منع می کند. «فبصرک الیوم حدید» (مفردات ألفاظ القرآن ۱۴)

#### قائلین به جواز اجرای علنی حدود

در میان موافقان، عدهای قائل به وجوب و عدهای قائل به استحباب اجرای علنی حدود هستند قائلین به وجوب، وجوب را از امر ولیعهد و استنباط کردهاند که از آن میان می توان به موارد ذیل اشاره کرد. علامه حلی در قواعد الاحکام می فرماید:



«برای امام سزاوار است هر گاه حدی را اجرا می کند، مردم را آگاه سازد و به آنان فرمان دهد که حاضر شوند و حضور طایفه ای از مردم واجب است» (قواعد الاحکام ۳: ۵۲۹) صاحب جواهر می فرماید: «هیچ اشکال و خلافی در این نیست که سزاوار است امام و کسی که جانشین امام است، هر گاه اراده کرد حدی را اجرا کند، مردم را خبردار سازد تا برای اقامه حد اجتماع کنند، بلکه برای امام سزاوار است که مردم را به حضور فرمان دهد، همان گونه که امیرالمؤمنین علی (ع) به مردم فرمان داده و مستحب است هنگام اجرای حد، گروهی حاضر باشند». و مقدس اردبیلی در زبدة البیان، حضور مردم را واجب میدانند و می فرماید: «آیه بر وجوب احضار طایفه ای از مؤمنان دلالت می کند تا شاهد رنج و عذاب آن دو باشند». (۶۶۰) آیت الله خوئی در مبانی تکملة المنهاج می گوید: «سزاوار است مردم برای حضور در محل اقامه حد آگاه شوند، بلکه به آنچه از فعل امر در آیه به ظاهر است، وجوب حضور عده ای برای اقامه حد است» (مبانی تکملة المنهاج - موسوعه ۴۱: ۳۶۹) آیت الله میرزا جواد تبریزی می فرماید: به طور کلی، حضور مردم هنگام اقامه حد اعم از تازیانه و رجم واجب است». (أسس الحدود و التعزیرات ۱۴۹) آیت الله موسوی گلپایگانی در الدر المنضود نیز می فرماید: «ظاهر فعل امر در آیه بر وجوب دلالت دارد. از این رو، به ناچار باید گفت که حضور جمعی در هنگام اقامه حد، واجب است، نه مستحب به دلیل اخذ به ظاهر صیغه امر که در وجوب ظهور دارد». (۱: ۴۲۸)

گروهی از فقها اجرای علنی حدود را مستحب میدانند. صاحب شرائع می فرماید: «سزاوار است مردم از اقامه حد آگاه شوند تا در محل اقامه حد اجتماع کنند و مستحب است هنگام اقامه حد، عدهای حاضر شوند». (شرائع الاسلام ۴: ۴۴۱) شیخ طوسی در مبسوط می فرماید: «هرگاه حد بر زانی واجب شود، مستحب است عده ای در محل اقامه حد حاضر شوند». (۸) امام خمینی در تحریر الوسیله، آگاه کردن مردم و فرمان دادن مردم برای حضور در اقامه حد را مستحب و احتیاط را در این میدانند که عدهای از مؤمنان که از سه نفر کمتر نباشند، هنگام اجرای حد حاضر باشند (۲: ۲۴) دلیل این گروه از فقهاء حمل امر بر استحباب، اصل عدم وجوب (شهید ثانی، الروضة البهیة ۹، ۹۵) و احترازی بودن قیود فاضل مقداد، (کنز العرفان ۲: ۳۴۲) است. بنابراین، با توجه به اینکه فقها به وجوب یا استحباب اجرای علنی حدود فتوا دادهاند، می توان نتیجه گرفت که در جوار آن هیچ تردیدی نیست.

### اصل و قاعده اولی در اجرای مجازات

یکی از بخشهای کارساز و راه گشا درباره مجازات آشکار، روشن شدن قاعده اولیه در اجرای مجازات است؛ یعنی آیا ظهور اولیه در اجرای احکام به علت بودن آن انصراف دارد یا به پنهانی بودن آن؟ در این زمینه، بین حقوق باید تفاوت قائل شد؛ زیرا آنچه در حقوق الناس اهمیت دارد جلب نظر صاحب حق است. از این رو، مثلا در حق قصاص، ولی دم مخیر است بین اینکه مجرم را قصاص کند یا از او دیه بگیرد یا اینکه او را عفو کند. بنابراین، در حقوق الناس به این دلیل که همیشه رضایت مدعی و اجازه او در اجرای حکم شرط است، ضرورتی ندارد مجازات مجرم حتما در ملا عام انجام شود هر چند در این خصوص نیز مجازات علنی می تواند فوایدی داشته باشد (نک: تفسیر نمونه ۱۴: ۳۶۴)

در حقوق الله، مدعی، فرد خاصی نیست و جامعه از این قبیل جرایم زیان می بیند. جرم یادشده، حقی است که برای خدا ایجاد شده است و همه مردم در آن، مدعی العموم محسوب می شوند. پس این اصل چنین دلالت دارد که حکم باید به



صورت آشکار اجرا شود. بنابراین، میتوان ادعا کرد که قاعده اولی در حقوق الله، اجرای علنی است و در این راستا روایات فراوانی وجود دارد که به آنها پرداخته می شود. صرف نظر از این روایات، احادیث دیگری نیز کاشف از سیره امامان معصوم (علیهم السلام) در مورد اجرای علنی مجازات در بخش حقوق الله هستند و گویا مجازات علنی در این بخش، امری مسلم و مفروغ عنه است. این دسته از روایات در مجازات علنی صراحت ندارند، اما سیاق آنها بیانگر عادی بودن مجازات علنی است، مانند روایاتی که بر مرور امیرالمؤمنین علی (ع) با امام صادق (ع) از محل اجرای حکم دلالت دارند. (حر عاملی، وسائل الشیعه ۱۸: ۳۱۵-۳۱۶) آن بزرگواران وقتی با این صحنه مواجه می گردیدند، متذکر هر گونه اشتباه می شدند، ولی هیچ گاه از علنی بودن مجازات انتقاد نمی کردند.

در نهایت، میتوان گفت از آنجا که حدود (مانند حد زنا، شرب خمر و ارتداد) بیشتر در موارد حق الله مصداق دارد، قاعده این است که مجازات آن باید در ملا عام اجرا شود. در قصاص نیز از آنجا که موارد آن در حق الناس مصداق دارد اصل اولی آن است که حکم آن باید به صورت غیر علنی اجرا شود مگر اینکه مصلحت مسلمانان، علنی بودن آن را اقتضا داشته باشد. در تعزیرات چون به جرایم کوچک و سبک مربوط می شود و موارد آن هم در هر یک از حقوق الله و حقوق الناس می تواند مصداق داشته باشد و از طرفی کیفیت اجرای آن نیز مانند کمیت آن به نظر قاضی بستگی دارد، نمی توان اصلی مبنی بر علنی یا غیر علنی بودن در آن تأسیس کرد. حاکم اسلامی بنا بر صلاح مورد نظر خود می تواند به مقدار گناهی که مجرم مرتکب شده و با توجه به شرایط جسمی و روحی اش، وی را مجازات کند، چنان که در برخی روایات به این مطلب اشاره شده است. (حر عاملی، وسائل الشیعه ۱۸: ۵۸۴) اختصاص اجرای علنی حدود به زنا یا سرایت آن به تمام حدود ضرورت طرح این بحث از این باب است که به نظر برخی فقهاء اجرای علنی حدود تنها در حد زناست و سرایت آن به جرایم دیگر، استناد فقهی ندارد. با این حال، دلایلی وجود دارد که می توان گفت جواز اجرای علنی حدود در جرایم دیگر هم دلیل فقهی دارد که به دو دسته از این ادله اشاره می کنیم:

### الف) آیه دوم سوره نور

در این آیه، حد در مورد زنا غیر محصنه است، اما فقها آن را در زنا محصنه مطرح کرده اند. اساساً روش فقها در متون فقهی این است که بیشتر احکام مربوط به حدود را در بحث حد زنا بیان کرده اند؛ یعنی با نفی خصوصیت از حد زنا و عام جلوه دادن حد زنا، حکم آن را به دیگر ابواب حد تسری می دهند، مثل تأخیر در اجرای حد، ضغث، ارتکاب جرم مستوجب حد در زمان یا مکان مقدس، عدم اجرای حد در سرزمین دشمن، عدم کفالت و شفاعت در حد و غیر آن.

### ب) روایت

با بررسی برخی روایات در می یابیم که ادله اجرای علنی حدود، در حد زنا منحصر نیست که به دو روایت اشاره میشود. .. در این روایت آمده است که امام در مقابل اصحاب خود، حد فردی را که به لواط اقرار کرده و مجازاتش، سوزاندن بود، در حضور دیگران اجرا کرد. طبق این روایت که از عبارت «فی ملاء من اصحابه» تعبیر کرده است، استفاده میشود که اجرای حد لواط به صورت علنی و در حضور مردم اقامه می گردید که از لفظ «جمیعا» مستفاد است



۲. در روایت دیگری، ابی بصیر می گوید: «از امام صادق (ع) در خصوص چگونگی حد تازیانه در زمان پیامبر اکرم (ص) پرسیدم. امام جواب داد: با کفشها زده میشد و هر گاه شارب خمر آورده می شد، بر زدنهای افزوده می شد و همین طور مردم اضافه می کردند تا اینکه به ۸۰ ضربه متوقف میشده

به طور کلی، از مجموعه روایات و سیره معصومین فهمیده می شود که همه حدود به صورت علنی اجرا می شد و اصولاً مکان خاصی نبود که مختص به اجرای مجازات باشد. لازمه بعضی از مجازاتهای اجرای علنی آنهاست، مانند صلب که به صورت رسمی و علنی اجرا می شد، نه مخفی یا مجازات تبعید که اصولاً لازم است حاکم شرع اعلام کند فلان شخص، تبعیدی است، با او معامله و رفت و آمد نکنید و بر او سخت بگیرید صاحب جواهر می گوید: «محارب از شهرش تبعید میشود و به هر شهری که او ماوا گزیند، حاکم باید بنویسد که با او هم غذا و هم مجلس نشوند و با او معامله نکنند». (نجفی، جواهر الکلام ۴۱: ۲۹۵) بنابراین، قول به جواز اجرای علنی مجازات در تمامی حدود به صواب نزدیک تر است و اجرای علنی مجازات به حد زنا اختصاص ندارد.

ادله موافقان اجرای علنی حدود

قاتلان به اجرای علنی حدود، به قرآن، روایات، عقل و اجماع تمسک کردهاند: ۱- قرآن به از میان آیات قرآن به آیه دوم سوره نور استناد کرده اند. در این آیه تصریح شده است که طایفه ای از مؤمنان باید شاهد عذاب و رنج زانیه و زانی هنگام اجرای حد باشند و این نص در اجرای علنی حد زنا است این آیه گذشته از وجوب حضور طایفه ای از مردم یا استحباب آن، در هر صورت، بر اجرای علنی حدود و در کل، مجازاتها دلالت دارد. به اعتقاد بعضی از فقهای نامدار مانند ابن ادریس حلی (سائر ۲۳: ۲۳۱) محقق حلی (المختصر النافع ۲۱۷) شهید ثانی (شرح الروضة البهیه ۹۵: ۹۵؛ مسالک الافهام ۲: ۴۳۰) و یحیی بن سعید حلی (الجامع للشرایع ۵۴۹) واجب است مجازات زنا در حضور جمعیت مؤمنان انجام گیرد. این دسته از فقها به دلالت جمله «ولیشهد» که صیغه امر و دستور است، حضور طایفه ای از مؤمنان را واجب میدانند؛ زیرا صیغه امر طبق قاعده در وجوب ظهور دارد و اصل در آن، وجوب است.

فقها بر اساس این آیه، وجوب یا استحباب حضور طایفه ای از مؤمنان را پذیرفته اند، اما در خصوص اینکه مراد از «طایفه»، چند نفر باشد، اختلاف نظر دارند. عده ای قائلند که مقصود از «طایفه»، حداقل، یک نفر است. برخی، حداقل دو نفر؛ برخی دیگر، سه نفر و برخی نیز ده نفر را مطرح کرده اند. بعضی دیگر این امر را به عرف واگذار کرده اند. اکنون نظر قائلین به این اقوال را بررسی می کنیم

۱. حد اقل یک نفر از جمله فقهایی که این قول را پذیرفته اند، به محقق حلی (المختصر النافع ۱: ۶۳)، فاضل مقداد (کنز العرفان ۲: ۳۴۲)، جمال الدین حلی (المهذب البارع ۵: ۴۳)، آیت الله خویی (مبانی تکملة المنهاج - موسوعه ۴۱: ۲۶۹)، میرزا جواد تبریزی (أسس الحدود و التعزیرات ۱۴۸) و شیخ طوسی (النهایه ۷۰۱) می توان اشاره کرد. شیخ طوسی در کتاب «خلاف» (۵: ۳۷۴) از آن عدول کرده و اقل طایفه را ده نفر دانسته است.

دلایل این دسته



الف) اصالة البرائة: اصل عدم زیاده. (المهذب البارع ۵: ۴۳) هنگام شک در لزوم حضور بیش از یک نفر، اصل عدم زیاده یا اصل عدم وجوب بیش از یک نفر جاری می شود و مقتضای این اصل، کفایت یک نفر است.

ب) معتبره غیاث ابن ابراهیم از امام صادق (ع) از امیرالمؤمنین علی (ع)

ج) قول لغوی: برخی از فقها به قول «فراء» استناد کرده اند. فراء تصریح کرده است که طایفه بر یک نفر هم اطلاق می شود چون «طایفه» از نظر لغوی به معنای قطعه ای از یک شیء است و یک نفر نیز قطعه و جزئی از یک جماعت محسوب می گردد

۲. حد اقل دو نفر

قرطبی در تفسیر خود یکی از قالین این قول را عکرمه میداند (الجامع لأحكام القرآن ۱۲: ۱۶۶) به نقل از قرطبی، عکرمه مراد از طایفه را دو نفر ذکر و به آیه شریفه «فر» استناد کرده است. صاحب جواهر نیز استدلال این گروه را این گونه می آورد: «فرقه» اسم جمع است و دلالت بر حداقل سه نفر می کند و طایفه که از آن استثنا شده، دلالت بر دو یا یک نفر دارد با این حال، از باب احتیاط، حمل بر دو نفر می شود (جواهر الکلام

۳۵۴:۴۱). اما این رأی، مخالف ظاهر آیه است و نمی توان برخلاف ظاهر آیه حکم کرد

۳- حداقل سه نفر

برخی دیگر، حضور حداقل سه نفر را لازم دانسته اند. از آن جمله می توان به این ادویس السرائر ۳: ۴۵۴) و حضرت امام خمینی (تحریر الوسيلة ۸۷۱) اشاره کرد

این دسته از فقها نیز چند دلیل برای مدعی خود ذکر کرده اند

الف) طبق قول لغوین، طایفه از «طوف» و «حاطه» بر یک شیء یا فرد می آید. بنابراین، طائفة من الناس» یعنی جماعتی که اطراف یک شیء حلقه زده اند. واضح است که تحقق این معنا مستلزم حضور حداقل سه نفر است. (السرائر ۳: ۴۵۴)

ب) «طایفه»، اسم جمع و اقل جمع، عدد سه است. (همان) ج) عرف از لفظ «طایفه» چنین برداشتی دارد و از آن، سه نفر را اراده می کند. (همان)

د) با توجه به ارجاع ضمیر جمع به لفظ «طایفه» در آیه «تنفر» که می فرماید: «طائفة لیتفقوا» پی می بریم که لفظ «طایفه»، جمع و اقل آن، سه نفر است. (همان)

۴- حداقل ده نفر

شیخ طوسی در «خلاف»، حضور حداقل ده نفر را لازم می داند و در مقام استدلال می نویسد: دلیل ما بر این رأی، رعایت احتیاط است؛ چون هر گاه ده نفر حاضر شوند، مطمئناً حداقل رعایت گردیده است» (الخلاف ۵: ۳۷۴)

بعضی از فقها همچون علامه حلی نسبت به این رأی اعتراض کرده و رعایت احتیاط را در این زمینه، بدون وجه دانسته اند. (مختلف الشیعة ۹: ۱۷۰) ابوالفتوح رازی در تفسیر روح الجنان» نیز مقصود از طایفه را حداقل ده نفر دانسته است (۱۴: ۸۱)





### - رجوع به عرف

برخی دیگر از فقها همچون علامه در مختلف الشیعه» (مختلف الشیعه ۹: ۱۷۰) در تعیین مراد از طایفه، رجوع به عرف را معتبر دانسته اند. هر چند ممکن است این معیار با نظر شارع موافق تر باشد، اما این اختلاف همچنان در تعیین مصادیق عرف وجود خواهد داشت.

### - روایات

روایت زراره از امام صادق (ع) که در آن، حضرت صادق (ع) فرمود: «مردی را خدمت امیرالمؤمنین علی (ع) آوردند که به جرم عفافی اقرار کرده بود. پس امیر مؤمنان علی (ع) به اصحابش فرمود: فردا صبح در حالی که صورت خود را پوشاندهاید، نزد من بیایید. صبح هم به آنان فرمود: هر کس مثل عمل او را مرتکب شده است، او را رجم نکند و برگردد. برخی از اصحاب منصرف شدند و برخی هم ماندند و او را رجم کردند». طبق این روایت، امام فرموده است که مردم حاضر شوند و حد به صورت علنی اجرا شود؟

### روایت امام صادق (ع)

درباره شخصی است که به لواط، اقرار و شدیدترین مجازات آن را که آتش باشد، اختیار کرده بود. وقتی وارد گودال آتش شد، امیر مؤمنان علی (ع) و اصحابش به گریه افتادند از این روایت معلوم می شود که حضرت به اتفاق گروهی از اصحابش، شاهد اجرای حد بودند.

### - روایت دیگر

ابی بصیر از امام صادق (ع) است که ابی بصیر در مورد چگونگی حد تازیانه در زمان پیامبر اکرم (ص) از امام صادق (ع) سؤال کرد. امام صادق (ع) فرمود: «با کفشها زده میشد و هر گاه شارب خمر آورده میشد بر زدنهای افزوده میشد. همین طور مردم اضافه می کردند تا اینکه به ۸۰ ضربه برسد». از این روایت نیز فهمیده میشود که حد زدن شارب خوار به دست مردم بیانگر علنی بودن اجرای حد شرب خمر و دیگر حدود است

۲-۴. روایت دیگری درباره حضرت عیسی (ع) از امام صادق (ع) نقل شده است که نشان میدهد اجرای علنی حدود تنها مخصوص اسلام نیست. مردی نزد عیسی (ع) آمد و گفت: «من زنا کردهام. مرا پاک کن. حضرت عیسی (ع) دستور داد بین مردم ندا دهند و آنان را دعوت کنند و هیچ کس در خانه نماند، بلکه همه بیایند تا شاهد اجرای حد باشند».

### - ادله عقلی

. اصلاح جامعه حقوق دانان همواره سه هدف اصلی را برای مجازات بر می شمارند: ترساندن، سزادهی و اصلاح قانون گذار با این تصور که ترس از مجازات سنگین ممکن است بزهکار احتمالی را از اندیشه های شریانه منصرف گرداند و با اجرای آن امیدوار است درس عبرتی به آنها داده باشد. (اردبیلی، حقوق جزای عمومی ۱۲۸:۲) امام خمینی (ره) هم اجرای



علنی حدود را موجب اصلاح جامعه میداند و درباره اجرای علنی مجازاتهای فرماید: «اگر چهار تا دزد، دستش را ببرند در مجمع عمومی، دزدی تمام میشود». صحیفه نور ۷: ۲۲۸)

### عبرت پذیری و بازدارندگی عمومی

همان طور که ذکر شد، ترساندن، یکی از اهداف مجازات است. ترساندن شامل ترساندن خاص و عام میشود. هدف در ترساندن خاص، ترساندن فرد مجرم به منظور پیشگیری از تکرار جرم از سوی اوست و هدف در ترساندن عام، ترساندن جامعه و مجرمان احتمالی است سزار بکاریا در «رساله جرایم و مجازاتها» اذعان می کند که مجازات باید حتمی و اجرای آن، سریع و آشکار باشد. وی معتقد بود: «حتمی بودن عقوبتی حتی معتدل همیشه تأثیری شدیدتر از ترس از مجازاتی موحش به جا می گذارد که امید رهایی در آن راه دارد». (رساله جرایم و مجازاتها ۹۸ - ۹۹)

فاضل مقداد (کنز العرفان ۲: ۳۴۲) از قدما و آیت الله مکارم شیرازی (الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل ۱۱: ۱۳۰۱) از معاصران به این دلیل استناد کردهاند

ادله عقلی فقط در این موارد احصا نمی شود برخی از موافقان در کتابها و مقالات خود، ادله دیگری را نیز آورده اند که نیازی به بیان تفصیلی آنها نیست و تنها به ذکر آنها بسنده میشود. از این ادله می توان به این موارد اشاره کرد افزایش سطح امنیت اجتماعی و روانی در مردم، به نمایش گذاشتن اقتدار نظام اسلامی، مرهم نهادن بر قلوب جریحه دار مردم، پیشگیری از تبانی های احتمالی در اجرای حدود و مجازات ها از نتایج اجرای علنی است. (فلاح، اجرای حدود و مجازات ها از منظر عقل و نقل ۲۵۷)

### ۴- اجماع

با توجه به صراحت آیه ۲ سوره نور و تواتر روایات وارده از معصومین و نیز ادله متعدد عقلی که بر ضرورت اجرای علنی (حداقل) بخشی از حدود و مجازاتها وجود دارد، در اصل موضوع، اختلافی نیست و همگان بر ضرورت آن اتفاق نظر دارند. شیخ طوسی از عبارت «بلاخلاف» استفاده کرده و آیت الله فاضل لنکرانی نیز از شیخ طوسی، «عدم خلاف» در زمینه وجوب حضور طایفه ای از مؤمنان را در زمان اجرای حد نقل کرده است. (تفصیل الشریعه - الحدود ۳۳۶)

### ادله مخالفان اجرای علنی مجازاتها

مخالفان اجرای علنی مجازاتها برای اثبات نظریه خود، دلایلی را ذکر کرده اند که اکنون بررسی و نقد می کنیم:

اجرای علنی مجازاتها بر خلاف اصل شخصی بودن مجازات است: (نهای، بهینه سازی اجرای آشکار حدود ۲) آثار آن بر خانواده و دیگر بستگان مجرم هم اعمال می شود. اینکه هر کس، مسئول عمل خویش است، به این معنا نیست که مجازات باید چنان باشد که هیچ کس غیر از مجرم حتی به صورت غیر مستقیم آزرده نگردد یا آسیب نبیند؛ چون در این صورت، تقریباً هیچ مجازاتی قابلیت اجرا پیدا نمی کند. در تمام مجازات ها ممکن است بستگان و خانواده مجرم و تعدادی از افراد جامعه هم متأثر شوند یا زیان ببینند، اما این آثار غیر مستقیم، با اصل شخصی بودن مجازاتها منافات ندارد. مثلاً اگر مجرم به مجازات حبس هم محکوم شود، باز هم خانواده و بستگان او از نظر مالی و روحی زیان می بینند و اگر بخواهیم این تبعات اجرای مجازات را از بین ببریم، باید کاملاً از اجرای آن دست برداریم.



اجرای علنی موجب وهن دین است و جایز نیست: (همان) در کبرای این قضیه اشکالی نیست، اما صغرای آن اثبات نشده است. بنابراین، نمی توان به این نتیجه رسید. صغرای قضیه این است که اجرای علنی حدود موجب وهن دین خواهد شد. برای قضیه این است که هر عملی که موجب وهن دین باشد، جایز نیست. صغرای قضیه محل بحث است؛ یعنی آیا به طور مطلق، اجرای علنی در تمامی حدود موجب وهن دین است؟ اگر ثابت شود که جواب مثبت است، می توان گفت که اجرای علنی حدود جایز نیست، ولی به مجرد احتمال نمی توان به عدم جواز حکم داد. یکی از فقهای معاصر در خصوص نحوه اجرای رجم می گوید: «چنانچه حقیقتاً مستلزم وهن اسلام باشد، می توان شیوه اجرای آن را تغییر داد» (موسوی اردبیلی، گنجینه آرای فقهی قضایی، کد سؤال ۸۶) ولی با تخیل نباید در حکم اسلام دست برد. بنابراین، شاید در برخی موارد، اجرای علنی حدود موجب وهن دین گردد و با حکومت ادله دیگر همچون قاعده اهم و مهم، قاعده مصلحت و حفظ نظام از اجرای آن به شیوه علنی بتوان دست برداشت، با این حال، نمی توان این حکم را به تمام مجازاتها سرایت داد؛ زیرا با اثبات وجوب اجرای علنی از روایات، اصل در اجرای علنی است و مواردی را که موجب وهن میشود، با تخصیص میتوان از این حکم کلی خارج کرد.

اجرای علنی حدود با هدف و مجازات که اصلاح مجرم است، منافات دارد و با تأثیر منفی بر مجرم، زمینه بازگشت او را به جامعه از بین می برد: (قربان نیا، اجرای مجازات ۹۵) این دلیل به نظر می رسد تنها هدف مجازات را اصلاح مجرم دانسته است، در صورتی که اولاً مجازات اهداف دیگری هم دارد، مثل ارعاب و بازدارندگی، ثانیاً اگر اجرای مجازات به طور علنی با هدف مجازات که یکی از آنها، اصلاح مجرم است، منافات داشت، در سیره معصومین (علیهم السلام) بر آن تأکید نمی شد؛ زیرا حدود در زمان معصومین با همین هدف به صورت علنی اجرا می شد. ثالثاً تمام مجازاتها برای مجرم تلخ است و ممکن است اثر منفی بگذارد، هر چند تأثیر منفی مجازات علنی بر مجرم بیشتر است. با این حال، برای دستیابی به تمام اهداف مجازات، علنی بودن آن ضرورت دارد. رابعاً عکس این قضیه به نظر صادق تر می آید؛ زیرا می توان گفت یکی از آثار اجرای علنی مجازاتها، اصلاح مجرم است؛ یعنی اگر مجرم بداند به چه نحوی مجازات می شود، با یک حساب ساده، ممکن است از ارتکاب جرم منصرف شود. اگر بداند که زیان عمل او بیشتر از سود آن است و هزینه جرم بالاست و یک بار آن را تجربه کرده است، مطمئناً در تصمیم گیری او مؤثر خواهد بود. از این رو، برخی از جرم شناسان می گویند: «اگر مجازات به حد کافی ناخوشایند و زنده باشد، متخلف، جرم را تکرار نخواهد کرد» (پیش گیری از جرم ۵۴)

شیخ مفید در مقنعه می گوید: «هنگامی که امام یا جانشین امام خواست زن و مرد زانی را حد بزند، باید مردم را برای حضور در محل اقامه حد آگاه سازد. وقتی مردم جمع شدند، در حضورشان بر آن دو حد جاری کند تا هر کس که این دو را می بیند از انجام چنین کاری منجز شود و برای دیگران عبرت و درس باشد» (المقنعه ۷۸۰ - ۷۸۱)

اجرای علنی حدود هرگز بازدارنده نیست و به جای ایجاد رعب و وحشت در بین مردم، بزهکاران و تماشا کنندگان موجب همدردی آنها با جرم میشود: (نهای، بهینه سازی اجرای آشکار حدود ۲۴) این سخن در بعضی موارد اندک صحیح است، اما کلیت ندارد و در بسیاری از جرایم شنیع که روح افراد جامعه را آزوده و افکار عمومی را متأثر می کند، اجرای علنی و



سریع مجازات مجرم، تقریباً خواست همه افراد است؛ زیرا این نحوه مجازات می تواند روح آزرده آنها را تا حدی التیام بخشد. همچنین موجب رعب و وحشت مجرمان و دل گرمی مردم به اجرای عدالت توسط دستگاه قضایی می شود. اجرای علنی مجازات ها موجب تحمیل مجازات مضاعف بر مجرم میگردد: (فتحی، بررسی فقهی - حقوقی اجرای علنی حدود و گستره آن» ۸۰۸) علنی اجرا کردن مجازات، یکی از شیوههای مجازات است که خود، بخشی از مجازات است، نه مجازاتی جداگانه. یکی از فقهای معاصر (بهجت، گنجینه آرای فقهی قضایی سوال ۹۰۸۸) در این خصوص می گوید: «کیفیت اجرا نیز خود جزو مجموعه مجازات است یا در تقدیم یا رجحان» اجرای علنی مجازاتهای منافی کرامت بشر است (به نقل از: مقتدایی، مجله معرفت ۱۴:۱۰)

آدمی دارای کرامت است و انسانی که مرتکب جرم می شود در واقع، کرامت خود و جامعه را خدشه دار کرده است و برای به دست آوردن این کرامت از دست رفته فرد و جامعه، اجرای مجازات ضروری مینماید حتی میتوان گفت مجازات ابزاری برای حفظ ارزش و کرامت افراد جامعه است به طوری که آن را به سختگیری پدر، تأدیب فرزند با تلاش پزشک برای معالجه بیمار تشبیه کردهاند. معالجه بیمار ممکن است با درد همراه باشد اما نتیجه آن، بهبودی و سلامتی فرد و در نتیجه، سلامتی و امنیت جامعه از سرایت بیماری آن فرد است. در بحث اجرای حد سرقت، شخصی این سؤال را مطرح می کند: چگونه است دستی که پانصد دینار دیه آن است، به خاطر سرقت ربع دینار بریده می شود؟ در مقابل این سؤال، سید مرتضی جواب میدهد: «عزت امانت، آن را پر بها و ذلت گناه آن را ارزان کرده است. پس حکمت خدا را دریاب.» (مجلسی، بحارالانوار ۹:۴۰) سید مرتضی، علت کم ارزش شدن شخص را خیانت و گناه میداند و هر شخصی با گناه و خیانت، خود را در معرض مجازات قرار می دهد. در نتیجه آنچه کرامت انسانی را خدشه دار می کند، جرم است، نه اجرای علنی مجازات. همچنین بر خلاف بسیاری از دیدگاههای موجود در فلسفه مجازات که بر حفظ کرامت مجرم استوار نیست، در دیدگاه اسلام، مجازات مجرم نیز در فرآیند نگاه انسانی به مجرم و از باب لطف و رحمت بر او به شمار می آید و با کرامت انسانی او منافات ندارد. (آداب الصلوة ۲۳۶)

مخالفان اجرای علنی توجیههای دیگری نیز ارائه کرده اند که همچون توجیههای پیشین بیشتر جنبه درک شخصی از شیوه منتخب شرع در اجرای حدود دارد و حتی یارای مقابله با ادله عقلی اجرای علنی را ندارد، چه رسد به مقابله با ادله قطعی از کتاب و سنت. در اینجا تنها به چند توجیه دیگر آنها بسنده می شود. مخالفان معتقدند اجرای مجازات در انظار عمومی به خصوص اعدام و بازتاب رسانه ای آن، ضررهای قابل توجه فردی و اجتماعی به همراه دارد که میتوان چنین برشمرد

۱- از شوم ترین آثار گرفتن جان یک نفر در مقابل چشم دیگران و اعلام جرایم او به طور گسترده آن است که قبح و ترس از انجام آن عمل و حتی گرفتن جان کسی از بین می رود.. می توان ادعا کرد بر خلاف گفته کسانی که این امر را موجب ارباب و عبرت انگیزی دیگران میدانند، چنین چیزی رخ نمی دهد. (حسینی اشکوری و دارابی، اجرای علنی مجازاتها از دیدگاه فقه مقارن و تأثیر مقتضیات زمان)

۲- دیدن صحنه مجازات گاهی سبب خشونت و بدبینی افراد نسبت به جامعه می شود و آسایش عمومی را از مردم سلب می کند. (دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها ۶۶)



- ۳- شخص محکوم به مجازات همچون قهرمان یک نمایش نامه حزن انگیز جلوه می کند و ممکن است تماشاگران در آینده از او تقلید کنند. (میر محمدصادقی، کنکاشی در تأثیر اربعایی مجازات اعدام ۱۴)
- ۴- بیشتر کسانی که جرمی مرتکب می شوند، خود را برحق می بینند و از انجام عمل خود احساس بدی ندارند و چه بسا معتقد باشند وظیفه خود را انجام داده اند دیدن صحنه مجازات یک انسان چون مرتکب جرمی شده است، به برخی این جسارت را می دهد که کار قانون و محکمه را وظیفه خود بدانند و به احقاق حقوق پنداشته خود از مردم بپردازند. (حسینی اشکوری و دارابی، اجرای علنی مجازات ها از دیدگاه فقه مقارن و تأثیر مقتضیات زمان)
- گرچه نظرات فقهای امامیه در اجرای علنی حدود در عصر غیبت مختلف است. اما در نهایت میتوان اصل جواز اجرای علنی حدود را مسلم دانست و ادله مخالفان اجرای علنی حدود را رد کرد.
- در این بین برخی از فقها مانند علامه حلی، صاحب جواهر، مقدس اردبیلی، مرحوم آیت الله خویی، مرحوم آیت الله گلپایگانی و مرحوم آیت الله میرزا جواد تبریزی قائل به وجوب اجرای علنی حدود هستند. دسته دیگر از فقیهان شیعه مانند صاحب شرایع، شیخ طوسی و مرحوم امام خمینی قائل به استحباب در این خصوص هستند در این بین بعضی از فقها قائل به اختصاص این حکم به حد زنا هستند که قول به توسعه در تمامی حدود به صواب نزدیک تر است.
- همچنین در اینکه مصداق طایفه در لسان دلیل با چه تعداد محقق می شود بین فقهای شیعه اتفاق نظر وجود دارد. برخی ملاک را به تشخیص عرف واگذار کرده اند.



### بحث و نتیجه گیری

قانونگذار، در ماده ۴۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری، اصل را بر ممنوعیت اجرای علنی مجازات ها قلمداد و اجرای علنی مجازات ها را به عنوان استثنا تلقی نموده است. اما این مسئله نیز باعث نشده است تا اختلاف نظر موافقین و مخالفین اجرای علنی مجازات ها پایان یابد، همان گونه که در متن مقاله ذکر شد موافقین اجرای علنی مجازات حدود، شامل دو دسته هستند، عده‌ای معتقد به وجوب و عده‌ای نیز به استجاب اجرای علنی نظر دارند.

با تدقیق در ادله فقهی، می توان گفت که از آنجایی که حدود در اکثر موارد مبتنی بر حق الله است، قاعده این است که مجازات آن باید در ملا عام اجرا شود، کما اینکه در حق الناس اصل بر اجرای غیر علنی مجازات است، مگر آنکه مصلحتی، علنی بودن آن را موجه کند.

از سوی دیگر جرایم منافی عفت موضوع ماده ۶۳۷ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، در زمره تعزیرات هستند و در تعزیرات، کیفیت اجرای مجازات همانند نوع و کمیت مجازات، بستگی به نظر قاضی دارد و نمی توان اثر را بر علنی بودن و یا غیر علنی بودن آن گذاشت. حاکم اسلامی بنا بر مصلحت و تشخیص قضایی خود می تواند حسب مورد و با توجه به شرایط جسمی و روحی مجرم و مصلحت های اجتماعی، وی را به شکل علنی و یا غیر علنی مجازات کند. قاعدتاً حاکم اسلامی، با توجه به تجربیات جرم شناسی و سیاست جنایی، چگونگی اجرای مجازات را در حکم صادره خود تعیین خواهد نمود.



### فهرست منابع

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش .
- کشاورز صدر، سید محمد علی، ۱۳۶۵، آیین و رویه دادرسی کیفری، انتشارات مجلس.
- آخوندی، محمود، ۱۳۶۸، آیین دادرسی کیفری، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- گودرزی، فرامرز، ۱۳۹۲، پزشکی قانونی، سمت .
- گاتون، استفانی، ژرژ لواسور و برنارد بلوک، ۱۳۷۹، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه.
- «مجموعه آرای فقهی قضایی در امور کیفری»، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ناشر معاونت آموزش و تحقیقات، قم، ۱۳۸۱.
- «مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری»، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، قم، ۱۳۸۱.
- «مجموعه نشست های قضایی»، ناشر معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، قم، ۱۳۸۱.
- «ضابطین دادگستری، تکلیف و مسئولیت ها»، ناشر معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، قم، ۱۳۸۱.
- «مجموعه بخشنامه های قوه قضائیه»، تدوین و گردآوری معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، قم، ۱۳۸۲. « هدایتی، محمد علی: «آیین دادرسی کیفری»، انتشارات دانشگاه، ۱۳۳۰.
- خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، نشر بغداد .
- کی نیا، مهدی، ۱۳۷۰، مبانی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران .
- حسین بن محمد، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، المفردات الفاظ القرآن، دارالشامیه-بیروت -لبنان .
- علامه حلی، حسن بن حسین، ۱۴۱۳، قواعد الاحکام، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم .